



تحلیل سیاسی هفته (۱۱۶)

اهداف و پیامدهای سفر دکتر لاریجانی به کشورهای حوزه مقاومت

مقدمه

دیپلماسی پارلمانی با عنایت به قدرت و نفوذ مجالس در کشورهای مختلف می‌تواند آثار متفاوتی به دنبال داشته باشد. بر همین پایه، جمهوری اسلامی ایران نیز همواره تلاش کرده از این فعالیت در حوزه دیپلماتیک، به‌ویژه موضوعات مرتبط با منافع ملی و راهبرد کلی سیاست خارجی، خود بهره‌برد کند که این مسئله در عرصه‌های مختلف نمود می‌یابد. از آن جمله می‌توان به اجلاس جهانی بین‌المجالس، گروه‌های دوستی پارلمانی و همچنین حوزه‌های تخصصی و کمیسیونی اشاره داشت. سفر ۶ روزه منطقه‌ای دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به سه کشور سوریه، لبنان و عراق نیز که از روز یکشنبه سی‌ام آذرماه ۱۳۹۳ آغاز گردید از همین ظرفیت برخوردار بوده و در این چارچوب قابل تحلیل می‌باشد. ضمن آن که این سفر به کشورهایی در منطقه صورت گرفته است که در سال‌های اخیر گرفتار بحران‌هایی بوده‌اند که به آنها تحمیل شده است، اما توانسته‌اند با تکیه بر حمایت‌های مردمی و راهکارهای مبتنی بر مقاومت و وحدت در جهت غلبه بر این بحران‌ها حرکت نمایند. به عبارت دیگر، سوریه، لبنان و عراق که در زنجیره مقاومت قرار دارند، از کشورهای تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای محسوب شده و دکتر لاریجانی به‌دلیل پیشینه دیپلماتیک و رویکردی که در توسعه حوزه دیپلماسی پارلمانی دارد، تلاش کرد تا این ظرفیت را در جهت منافع ملی و همچنین منافع جریان مقاومت در منطقه پیش‌برد. بنابراین، سفر رئیس مجلس شورای اسلامی علاوه بر ارسال سیگنال‌هایی برای طرف‌های مقابل، حامل پیام‌های مهمی برای شرکای منطقه‌ای جمهوری اسلامی در راستای مبارزه با تروریسم بوده و در حقیقت، در راستای همگرایی فکری در منطقه صورت گرفته است.

بازتاب و اهداف این سفر منطقه‌ای

سفر منطقه‌ای اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی به سه کشور سوریه، لبنان و عراق، موضوعی بود که به‌ویژه در مطبوعات و رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازتاب گسترده‌ای یافت. این امر حکایت از آن داشت که سفر اخیر فراتر از یک سفر و بازدید معمولی از کشورهای منطقه بوده و در راستای رویکرد و هدفی مشخص انجام می‌گیرد. **روزنامه رأی‌الیوم** که در انگلستان منتشر می‌شود، در تحلیلی به اهمیت سفر منطقه‌ای دکتر لاریجانی پرداخته و عنوان کرده که **این سفر مبین قدرت ایران در منطقه است. روزنامه العرب، چاپ لندن،** نیز که با منافع ریاض همسویی دارد، این سفر را تلاش تازه تهران در قبال کمربند نفوذ منطقه‌ای عربستان ارزیابی نمود که تلاش دارد از اردن تا مصر و لبنان امتداد یابد. براساس گزارش این روزنامه، **نفوذ منطقه‌ای ایران که اکنون فراتر از عراق به سوریه، لبنان، یمن و کشورهای دیگر عربی نیز گسترش یافته است،** مایه نگرانی برخی کشورهای عربی، به‌ویژه مقامات سعودی شده که تلاش می‌کنند تا به اتحای گوناگون با این نفوذ فزاینده مقابله نمایند. شبکه **تلویزیونی المنار** لبنان با اشاره به اظهارات دکتر لاریجانی در خصوص غیرقابل اعتماد بودن رویکرد آمریکا در مبارزه با تروریسم، این سفر را **تأکیدی بر نقش مثبت حزب‌الله در روند سیاسی لبنان دانست. پایگاه «عراق نیوز»** هم با اشاره به **بغرنج بودن شرایط امنیتی خاورمیانه، سفر دکتر لاریجانی را با توجه به تحولات منطقه‌ای مهم ارزیابی نمود.**

معاونت پژوهش‌های
سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۶۰۱۴۱۰۳

تاریخ انتشار:
۱۳۹۳/۱۰/۹

شبکه تلویزیونی «یورو نیوز» نیز این سفر را همزمان با تهدیدهای رژیم صهیونیستی مبنی بر تجاوز نظامی به خاک سوریه حائز اهمیت دانست. شبکه تلویزیونی شینهوا نیز با پوشش سفر دکتر لاریجانی و اهمیت آن در شرایط کنونی منطقه به سخنان وی در دانشگاه بیروت استناد نمود که با مقایسه شکل گیری گروه های تروریستی در افغانستان و عراق با سوریه در شرایط فعلی، این روند را نتیجه نظامی کردن بحران در خاورمیانه برشمرد. موضوع تروریسم در منطقه و لزوم اتخاذ موضعی واحد در محور مقاومت علیه جریانات تکفیری تروریستی را می توان در صدر دستور کار مذاکرات و رایزنی های منطقه ای دکتر لاریجانی با مقامات سه کشور مذکور قرار داد که این موضوع، به ویژه با توجه به فعالیت گروه تکفیری - تروریستی داعش در عراق و سوریه با هدف تجزیه عراق و خارج نمودن دمشق از محور مقاومت و همچنین حملات پراکنده تروریست های وابسته به القاعده در لبنان اهمیت ویژه ای پیدا کرده است.

اما آنچه مهم است این که فارغ از موضع گیری های رسمی و اخبار معمول، رئیس مجلس ایران در هر یک از این کشورها هدفی مشخص را دنبال می کرده که البته در نهایت، همه این اهداف به هم مرتبط بوده اند.

بر همین اساس، مهمترین هدف این سفر در ایستگاه نخست، رایزنی با مقامات سوریه، از جمله بشار اسد، محمد جهاد لحام و وائل الحلقی، رؤسای جمهور و مجلس و همچنین نخست وزیر این کشور، به منظور تسهیل شرایط و فراهم کردن زمینه ها برای دستیابی به یک راه حل سیاسی جهت پایان دادن به جنگ داخلی در این کشور بوده است، موضوعی که هر چند از ابتدا نیز مورد توجه و تأکید ایران قرار داشته، اما با توجه به حمایت های صورت گرفته برخی طرف های خارجی از گروه های تروریستی در سوریه، تاکنون نتایج مورد نظر را به بار نیاورده است.

دیدار دکتر لاریجانی از سوریه، که به نظر می رسد فضای امنیتی و بحرانی در آن رو به کاهش گذارده، کمتر از دو هفته پس از سفر «میخائیل باگدانف»، معاون وزیر خارجه روسیه، به این کشور صورت گرفت. باگدانف با ارائه طرح پیشنهادی کشورش از امیدواری مسکو به از سرگیری گفتگوهای صلح در سوریه خبر داد که برگزاری نشست قریب الوقوع با حضور مخالفان سوری و دولت این کشور در روسیه در همین راستا ارزیابی می گردد. همچنین، «استفان دی میستورا»، نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد، نیز به تازگی به منظور حل و فصل بحران ۴۵ ماهه در سوریه طرحی را ارائه نموده، که البته این طرح نیز در جریان سفر اخیر نخست وزیر سوریه به ایران و همچنین دیدار مشابه ولید المعلم، وزیر امور خارجه سوریه، با مقامات ایرانی و روسی در تهران و مسکو مورد بحث قرار گرفت. براساس ابتکار جدید، قرار است در حلب آتش بس اعلام شده و متعاقب آن، گفتگوها میان مخالفان غیر مسلح و دولت سوریه آغاز گردد.

بنابراین می توان یکی از اهداف اصلی سفر اخیر دکتر لاریجانی به سوریه را اعلام پشتیبانی تهران از تلاش های جدید صورت گرفته به منظور برقراری صلح در این کشور و هماهنگی با مقامات سوری در این زمینه برشمرد. در همین چارچوب، رئیس جمهور سوریه نیز در دیدار با رئیس مجلس ایران از همراهی دمشق با تلاش های بین المللی صورت گرفته جهت پایان دادن به درگیری ها در این کشور سخن گفت. ایران نیز در گذشته طرح های چهار ماده ای و شش ماده ای را برای حل این بحران ارائه کرده بود و آنچه مهم به نظر می رسد این است که سفر رئیس مجلس نقش میانجیگری ایران را برای حل این بحران تقویت می کند.

در لبنان که علاوه بر رویارویی با مشکلات اقتصادی با تهدیداتی از جانب رژیم صهیونیستی و تروریست های تکفیری نیز روبرو است، سفر رئیس مجلس ایران با هدف تأکید بر راهبرد جمهوری اسلامی در حمایت از محور مقاومت صورت گرفت، ضمن آن که بر حفظ آرامش داخلی و شکل گیری یک روند سیاسی در داخل لبنان در قالب قانون اساسی این کشور که مانع از تفرقه و چالش در این کشور شود، تأکید شده است.

از آنجا که دکتر لاریجانی از مقبولیت بالایی در میان جریان های سیاسی لبنان برخوردار است، سفر وی از این ظرفیت برخوردار بود که دیدگاه های جریان های گوناگون در این کشور، به ویژه گروه های موسوم به ۸ مارس و ۱۴ مارس را به یکدیگر نزدیک تر کند. بنابراین، این سفر با فضای مثبتی که نویدبخش از سرگیری مذاکرات میان جنبش حزب الله و حزب جریان آینده (المستقبل) در شهر بیروت است همزمان شده است، گفتگوهایی که قرار است آتش تنش های سیاسی و مذهبی سه سال گذشته را در لبنان مهار نماید، آتشی که بن بست سیاسی ایجاد شده ناشی از ناکامی در انتخاب رئیس جمهور این کشور از پیامدهای آن به شمار می رود. در نتیجه، زمان تعیین شده برای سفر دکتر لاریجانی به لبنان

به عاملی مثبت برای این گفتگوها تبدیل شد به‌ویژه اینکه اظهارات رئیس مجلس شورای اسلامی تشویق و تأییدکننده تلاش‌های ارکان جامعه لبنان برای گفتگو و توافق بود. در همین چارچوب، دکتر لاریجانی تلاش نمود تا در دیدار با مقامات دولتی لبنان، از جمله «نبیه بری»، «تمام سلام» و «سمیر مقبل» به‌عنوان رئیس مجلس، نخست وزیر و وزیر دفاع این کشور و به‌ویژه در جریان گفتگو با سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، زمینه همکاری طیف‌های مختلف برای پایان دادن به شکاف سیاسی کنونی و پیامدهای سیاسی و بی‌ثبات‌ساز آن را فراهم نماید.

تأکید دکتر لاریجانی مبنی بر اینکه فعالیت‌های سیاسی در لبنان برای حل همه پرونده‌ها از یک بلوغ سیاسی برخوردار شده، بیانگر موضع ایران در تأیید گفتگوها بین طرف‌های لبنانی است. جمهوری اسلامی ایران، انتخاب رئیس‌جمهوری لبنان را یک مسئله داخلی بیان نموده و با دخالت خارجی در این زمینه مخالف است. دکتر لاریجانی نیز در اظهارات خود بر این مهم تأکید کرد، موضوعی که مقامات تهران در سفرهای مکرر دو ماه اخیر «ژان فرانسوا ژيرو»، مدیر خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت امور خارجه و توسعه بین‌المللی فرانسه، به ایران نیز بر آن اصرار داشته و حتی به نظر می‌رسد حضور پیاپی مقامات روس و فرانسه و دیگر کشورها به لبنان نیز تنها برای گرفتن نبض سیاسی طرف‌های لبنانی باشد. این رویکرد تهران همچنین می‌تواند در امتداد موضع اصولی آن برای حل سیاسی بحران سوریه و عراق قرار گیرد.

در این میان، شاید بتوان گفت که سفر دکتر لاریجانی به عراق مهمترین و آخرین بخش از سفر منطقه‌ای وی به‌شمار رفته که هم از نظر زمانی طولانی‌تر بوده و هم تعداد دیدارها و گفتگوهای انجام شده در این سفر با مقامات دولتی و غیردولتی، به‌ویژه مراجع تقلید، بیش از دو کشور فوق بوده است.

مجموعه این دیدارها و آنچه از مضمون گفتگوهای انجام شده منتشر شده، مؤید موضوعی است که در قالب یک موضع‌گیری علنی از سوی رئیس مجلس بیان و به آن اشاره شده است که همانا تلاش برای ایجاد وحدت میان گروه‌های مختلف عراقی در جهت مبارزه با تروریسم در این کشور می‌باشد. درواقع، با توجه به طیف گسترده شخصیت‌هایی که رئیس مجلس شورای اسلامی با آنها دیدار و گفتگو داشته، هدف وی نزدیک‌تر ساختن دیدگاه‌های این شخصیت‌ها و گروه‌های مذهبی و سیاسی در راستای یک هدف واحد و همگرایی بین طوایف این کشور جهت مقابله با داعش بوده است.

اربیل را می‌توان ایستگاه پایانی سفر اخیر منطقه‌ای دکتر لاریجانی دانست که در حقیقت، نخستین سفر یکی از رؤسای قوای سه‌گانه ایران به اقلیم کردستان عراق و نخستین حضور رئیس پارلمان یکی از کشورهای منطقه در پارلمان اقلیم کردستان می‌باشد که می‌تواند نقطه عطفی در روند ارتباطات پیش رو با اقلیم به حساب آید، هر چند برخی تصمیمات اتخاذ شده توسط مقامات اربیل با واقعیات منطقه در تعارض بوده و حتی بستر مطلوبی را برای حضور عناصر فرامنطقه‌ای فراهم آورده است.

کردستان عراق که سال‌هاست به‌صورت فدرالی اداره می‌شود، در سال‌های اخیر با دولت مرکزی عراق دارای اختلافاتی بوده که می‌توان یکی از دلایل رشد گروه‌های تروریستی در این کشور را وجود کشمکش‌های سیاسی میان بغداد و اربیل دانست. این اختلافات باعث شد که منطقه کردستان در آغاز یورش داعش در خرداد ۱۳۹۳ به عراق، خود را به حاشیه برده و درگیر جنگ نکند، اما هنگامی که در ماه‌های پس از آن، نوک پیکان حملات داعش به سمت اربیل نشانه رفت، کردها دریافتند که نمی‌توانند از معادلات منطقه بیرون مانده و در حاشیه امنیت هم قرار داشته باشند، لذا از ادامه ادعای اولیه خود مبنی بر استقلال این منطقه منصرف شدند.

در شرایط کنونی، اقلیم کردستان عراق به‌رغم تداوم اختلافات با بغداد، خود را در داخل میدان نبرد با تروریسم می‌بیند و همین مسئله اهمیت سفر دکتر لاریجانی به این منطقه را در مقطع حاضر بیشتر می‌کند. درواقع، ضرورت هماهنگی، همکاری و تعامل سازنده میان بغداد و اربیل، برای به ثمر نشستن تلاش‌ها برضد گروه‌های تروریستی ضروری بوده و جمهوری اسلامی ایران نیز که حمایت‌های لازم را به نیروهای کرد عراقی در مقابل حملات داعش به اربیل به عمل آورد و مقامات کردستان نیز به آن اذعان داشته‌اند، همواره این ضرورت را به طرف کردی یادآور شده است. بنابراین، انتخاب نقطه پایانی سفر دکتر لاریجانی، در حقیقت بیانگر حساسیت منطقه به همه طرف‌ها، اعم از جریان‌های اهل سنت و کُرد، بوده که ایجاب می‌کند نبرد علیه تروریسم در اولویت قرار داشته باشد و از طرح مسائل حاشیه‌ای خودداری گردد.

از سوی دیگر، هرچند ظرفیت اقلیم کردستان عراق برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی قابل توجه است، اما به نظر می‌رسد به دلیل سابقه حکومت داری کوتاه مدت در این منطقه، ثبات و تداوم آن منوط به نظر موافق قدرت‌های منطقه‌ای است که ایران می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه داشته باشد.

سفر منطقه‌ای دکتر لاریجانی می‌تواند حامل پیام‌های ناگفته‌ای نیز باشد که به ضرورت آرامش و کاهش تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی و غلبه منطق مذاکره و توافق بر منطق خشونت و تندروری مرتبط می‌گردد. ایران تلاش دارد به هم‌پیمانان خود اطمینان دهد که بحران‌های اخیر به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی که ناشی از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی بوده و طرحی به‌ویژه از جانب برخی کشورهای عرب نفت‌خیز منطقه برای تحت فشار قرار دادن محور مقاومت است، تأثیری در حمایت‌های تهران از هم‌پیمانان منطقه‌ای خود نخواهد گذارد.

علاوه بر این، عادی‌سازی اخیر مناسبات میان برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان با قطر در کنار میانجی‌گری‌هایی که مقامات ریاض میان دوحه و قاهره در جهت تنش‌زدایی صورت داده‌اند به همراه سفر امیر قطر به ترکیه و دیدار شاه اردن از عربستان سعودی و مطرح شدن موضوع تشکیل هلال سنی در مقابل هلال شیعی، تلاشی به‌منظور انسجام بیشتر محور سازش در برابر نفوذ ایران در جهان عرب و خاورمیانه به شمار می‌رود که البته ردپای قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه، نیز در این روند مشاهده می‌گردد.

به نظر می‌رسد ایران ملاحظاتی را در خصوص سفر اخیر حیدر العبادی، نخست وزیر عراق، به کشورهای امارات متحده عربی، کویت و همچنین سفر دوجانبه مقامات ارشد اردن و عراق در کنار سفر اواخر آذرماه وزیر امور خارجه مصر به بغداد داشته که دکتر لاریجانی آن را به اطلاع مقام‌های عراقی رسانده است. ایران همیشه از روابط حسنه عراق با کشورهای منطقه حمایت کرده و آن را فرصتی برای بغداد به‌منظور بهبود جایگاه منطقه‌ای خود دانسته است.

پیامدهای سفر

سفر منطقه‌ای دکتر لاریجانی به لبنان، سوریه و عراق را می‌توان در سایه بروز تنش‌های اخیر میان ریاض و تهران حائز اهمیت دانست، سفری که نفوذ ایران را در منطقه بیش از پیش به اعراب نشان داده و دیدار و گفتگوهای صورت گرفته حکایت از ورود محور مقاومت به مرحله جدیدی دارد که البته پیامدها و دستاوردهایی را نیز به دنبال خواهد داشت.

این سفر از حیث سیاسی در راستای پیگیری راه‌حلی است که برای بحران سوریه ارائه شده و مبتنی بر برگزاری کنفرانس سوری - سوری در مسکو است که البته برگزاری این مذاکرات نیز حاصل رایزنی‌های صورت گرفته میان مقامات روسیه و ایران بوده که می‌تواند زمینه حل و فصل سیاسی بحران را در سوریه در آینده‌ای نزدیک فراهم آورد.

علاوه بر این، تشریک مساعی پایتخت‌های چهارگانه محور مقاومت در مقابل محور تروریستی - صهیونیستی - تکفیری در شرایطی صورت می‌گیرد که بنابر اظهارات نبیه بری، همتای لبنانی دکتر لاریجانی، نزدیک به ۸۰ درصد جهان عرب با فاجعه خطر تروریسم تکفیری روبرو بوده و حتی احتمال دارد با تغییر در توافقنامه سایکس - پیکو، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بار دیگر شاهد مرزبندی‌های جدید و اقدامات تجزیه‌طلبانه باشد. در نتیجه، با توجه به شرایط بحرانی منطقه و ضرورت همگرایی بیشتر میان کشورهای عراق، سوریه و لبنان برای مقابله با خطر گروه‌های تروریستی، سفر دکتر لاریجانی می‌تواند در شکل‌گیری یک بلوک توانمند منطقه‌ای علیه تروریست‌ها مؤثر واقع شده و در نهایت تقویت محور مقاومت را به‌عنوان سنگ بنای مبارزه با گروه‌های تکفیری رقم بزند. طبیعی است که توسعه روابط ایران با کشورهای منطقه و تقویت روابط دیپلماتیک با کشورهای که در خط مقدم مقاومت قرار دارند، می‌تواند ظرفیت جریان مقاومت را در منطقه افزایش دهد، ضمن آنکه ایران همواره به‌عنوان خط مقدم جبهه مقاومت در جهان شناخته می‌شود و توسعه این مناسبات می‌تواند به تقویت مناسبات دو یا چندجانبه و جریان مقاومت بیانجامد.

این روند در حقیقت، یک تحول نوین در توازن قوا در منطقه با برجسته شدن نقش محور مقاومت محسوب می‌شود، به‌ویژه اینکه جمهوری اسلامی نیز گام‌های بلندی را در مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ برداشته است. از مصادیق تقویت جبهه مقاومت می‌توان به ایستادگی دولت قانونی دمشق در برابر توطئه‌های داخلی و خارجی اشاره کرد که به منصرف شدن حامیان خارجی تروریست‌ها از سرنگونی دولت بشار اسد منجر

شده است. تکاپوی کویت برای بازگشایی سفارت خود در دمشق و رایزنی سازمان ملل با دولت سوریه با هدف حل و فصل بحران از تقویت موقعیت دولت اسد حکایت دارد. همچنین خروج نام مقاومت لبنان از فهرست گروه‌های تروریستی برخی کشورهای غربی در حالی صورت می‌گیرد که کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به قانونی بودن مقاومت به‌عنوان بخشی از ساختار سیاسی و حاکمیت در لبنان اعتراف می‌کنند. لذا این موضوع می‌تواند معادلات جدیدی را رقم بزند که به راه‌حل‌های سیاسی برای پایان دادن به بحران داخلی لبنان منجر شود.

علاوه بر این، سفر اخیر دکتر لاریجانی به کشورهای منطقه می‌تواند پیام‌هایی را نیز برای دیگر طرف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌ویژه در چارچوب ائتلاف ضد داعش، به‌دنبال داشته باشد که توسط آمریکا سازماندهی شده است. اقدامات اخیر مبنی بر تشکیل اقلیم سنی و تسلیح عشایر و تشکیل نیروهای موسوم به گارد ملی (ارتش‌های استانی) کشور، همانند تسلیح بدون برنامه سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تحت عنوان شوراها، بیداری، باعث نگرانی جدی کرده‌ها شده که خود می‌تواند بی‌ثباتی دیگری را به‌دنبال داشته باشد و به گسترش اقدامات افراط‌گرایانه در منطقه منجر گردد. در چنین شرایطی مواضع دکتر لاریجانی در تأکید بر اتخاذ راهبردهای صحیح در مبارزه با افراطی‌گری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود.

پیام‌های جمهوری اسلامی ایران به کشورهای محور مقاومت از آن جهت اهمیت دارند که جناح مقابل در طرحی تازه می‌کوشد با ایجاد بحران اقتصادی از طریق کاهش قیمت نفت، این محور را تضعیف نماید. این نکته زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که عراق به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت که بخش بزرگی از درآمدهایش از محل فروش این محصول به دست می‌آید، درگیر مبارزه با تروریست‌های داعش است. در سوی دیگر، سوریه نیز به‌عنوان خاکریز دیگر مقاومت که جنگی ۳ ساله را با تروریست‌ها تجربه می‌کند، با اقتصادی برگرفته از فروش نفت، روزگار سپری می‌کند و در ماه‌های اخیر توانسته مناطق مهمی را از کنترل تروریست‌ها خارج سازد. لبنان نیز به‌عنوان کشوری که همواره در معرض تحركات گروه‌های تروریستی قرار داشته، به‌تازگی و با هوشیاری نیروهای مرتبط با جنبش حزب‌الله، فتنه‌های بی‌شمار گروهک‌های تکفیری را ناکام گذاشته است.

نتیجه‌گیری

سفر اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی به سه کشور سوریه، لبنان و عراق با هدف تلاش برای برقراری ثبات و آرامش در این کشورها جهت تسهیل تمرکز بر موضوع مبارزه با تروریسم صورت گرفت. این موضوع به‌ویژه با توجه به حضور هر سه کشور در محور مقاومت از اهمیت برخوردار بوده و با آینده نفوذ منطقه‌ای ایران ارتباطی ناگسستنی دارد. پیام این سفر را می‌توان در تقویت جریان مقاومت، ایجاد انسجام در زنجیره مقاومت برای مقابله با گروه‌های تروریستی و ایجاد فضای مثبت سیاسی در کشورهای منطقه در ابعاد داخلی و منطقه‌ای دانست.

مهمترین هدف این سفر در سوریه، رایزنی با مقامات سوری در جهت ایجاد زمینه به‌منظور کسب یک راه‌حل سیاسی جهت پایان دادن به جنگ داخلی در این کشور بر پایه طرح‌های ارائه شده اخیر در این رابطه بوده است. در لبنان نیز بر از سرگیری گفتگوها میان دو جریان اصلی در این کشور به‌منظور حفظ آرامش داخلی و پایان دادن به بن‌بست سیاسی کنونی در قالب قانون اساسی تأکید شد. مجموعه رایزنی‌های گوناگون در عراق به‌عنوان ایستگاه نهایی این سفر منطقه‌ای نیز در ایجاد وحدت میان جریان‌ها و طوایف عراقی در جهت مبارزه با تروریسم در این کشور و داعش خلاصه گردید. سفر پایانی به اقلیم کردستان عراق در حقیقت تأکیدی بر پرهیز از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای از جانب همه گروه‌های عراقی و اولویت دادن به مقابله با جریان‌های تکفیری و تروریستی بوده است.

در نتیجه، این سفر می‌تواند با تقویت جایگاه و نفوذ منطقه‌ای ایران، محور مقاومت را وارد مرحله تازه‌ای نموده و همگرایی بیشتری را در این بخش ایجاد نماید که البته در تغییر توازن منطقه‌ای تأثیرگذار می‌باشد. علاوه بر این، سفر منطقه‌ای دکتر لاریجانی پیام‌هایی را نیز برای طرف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌دنبال دارد که در تلاشند با ابزارهای گوناگون، از جمله پایین آوردن بهای نفت و تشکیل ارتش‌های استانی، جریان مقاومت را متأثر سازند. بنابراین سفر آقای لاریجانی به این کشورها در واقع تأکیدی بر منافع وحدت‌بخش میان ملل منطقه و نیز آثار منطقه‌ای مقاومت و اعلام آمادگی ایران برای مقابله با هرگونه سیاست‌های انحرافی در آینده بود.